



در خانه همسایه



مصطفی وثوق‌کیا

روزنامه‌نگار

📖 سفر رفتن همیشه جذاب است، اما در این روزها که دلار با ما سر ناسازگاری دارد شاید نشود خیلی سراغ این مدل آرزوها رفت، اما می‌شود جای خالی آن را با چیز دیگری پرکرد.

برخی دوستان اهل سفر هستند که تجربیاتشان را ثبت و در قالب کتاب منتشر می‌کنند.

از سال ۱۳۹۲ که به افغانستان رفتم، توجهم به هر محصولی از این کشور همسایه جلب می‌شود، از فیلم و کتاب گرفته تا حتی خبر و قس‌علی‌هذا. به خصوص اضافه کنید که دو سال قبل از آن هم رضا امیرخانی سفرنامه خود درباره افغانستان را به

بازار فرستاد و به صورت اساسی ذهنیات مردم ایران را نسبت به مردم کشور همسایه که چند میلیون نفری از آنها سال‌ها با هم همخانه و همسفره شده بودند تغییر داد. آن وقت تصور کنید من مدتی بعد از خواندن کتاب رفتم به این سرزمین ناشناخته و در گشت‌وگذاری

هشت روزه در سه شهر مهم افغانستان (کابل، هرات و مزارشریف) توانستم کمی با سرزمینی که در قلمرو حکومت فارسی‌زبان‌هاست آشنا شوم. القصه عرضم این است که امیر هاشمی مقدم بعد از يك سفرمفصل و طولانی به افغانستان سفرنامه‌اش را در کتاب «سفر به سرزمین آریایی‌ها» نوشته است. هاشمی مقدم سال ۹۲ از سمت مشهد و زمینی وارد این کشور شده است. یعنی نویسنده سفر را به چشم گردشگری ندیده، بلکه مفصل هرات را چرخیده، به میان مردم رفته، با آنها گپ‌زده و نشست و برخاست کرده، حتی به دانشگاه شهر رفته تا ببیند می‌تواند با نخبگان فرهنگی آنجا ارتباطی برقرار کند یا نه (که البته نویسنده در هر شهری رفته به دانشگاه آن شهر سرزده) و حتی بازدید داشت شده است. این شهر را گشته بعد به کابل، بامیان، مزارشریف، بلخ و از آنجا به تاجیکستان رفته است.

هاشمی در کتابش مفصل درباره شهرها و سلوک آدم‌ها توضیح داده، نگاه او از این جهت جالب بود که دقیق درباره مسائل شخصی افرادی که با آنها برخورد کرده حرف زده و این کتاب را جذاب کرده است. جالب‌تر اینجاست که نویسنده در عین شیفتگی به کشور همسایه مقهور محیط نشده و هر جا لازم بوده از نحوه برخورد و حتی برخی اوقات بد رفتاری‌هایی که دیده انتقاد کرده. در ابتدای کتاب يك مقدمه مفصل درباره برخی شباهت نسبت به روابط ایران و افغانستان آمده که به شدت خواندنی است و البته به درد بخور.

نویسنده کتاب علاوه بر ذکر خاطراتش سعی کرده برخی مسائل تاریخی را که فکر می‌کرده اشتباه است اصلاح کند یا توضیحاتی درباره برخی مسائل ارائه کند که کتاب از حالت سفرنامه تبدیل به گزارش شده که خب برای کتابی در این سطح جالب نیست و شاید نقطه ضعف هم محسوب شود و بهتر بود این بخش‌ها در پاورقی می‌آمد. 📖



بنشین در خانه و برو تماشا

مروری بر کتاب «چادر کردیم رفتیم تماشا»



منصوره رضایی

دانشجوی دکتری
زبان و ادبیات فارسی

📖 گذشت آن زمانی که برای دیدن شهرها و کشورهای مختلف، مجبور بودی رنج سفر را به جان بخری و... در این روز و روزگار با دیدن تصاویر و فیلم‌ها و خواندن سفرنامه‌ها می‌توانیم در خانه بنشینیم و شش‌گوشه جهان را ببینیم. هر چه مسافر هنرمندتر باشد و بتواند جزئیات سفر را بهتر و بیشتر شرح دهد؛ ما هم از سفر نرفته و جاهای ندیده، بیشتر لذت می‌بریم و به قول مداح‌ها با چشم دلمان، افراد و اماکن و اتفاقات را می‌بینیم. این روزها که خیلی از اطرافیان مان عازم سفر حج هستند و دست‌ما کوتاه و خرما بر نخیل است؛ بهترین کار، خواندن سفرنامه‌های حج یا حج‌نامه‌هاست. همین که توی آن هیرو ویر و شلوغی و سختی مکه و مدینه، يك آدم باحوصله پیدا شده و خاطرات روزانه‌اش از مبدأ تا مقصد را نوشته، خودش جذاب و جالب است؛ کتاب چادر کردیم رفتیم تماشا سفرنامه عالی‌ه خانم شیرازی، یکی از بانوان توانگر دوره قاجار است که در زمان ناصرالدین شاه، عازم سفر حج می‌شود و از همان روز اول تا آخر سفرش را ثبت می‌کند. این سفرنامه از چند جهت، جذاب و قابل تأمل است؛ یکی این‌که در آن دوره و زمانه، حج رفتن خیلی سخت و طاقت‌فرسا بوده. به قول استاد باستانی پاریزی، مثل حالا سه ساعته حاجی نمی‌شدی؛ کسی که با آن امکانات و مشقات، به حج می‌رفته، حاجی واقعی می‌شده و سعی‌اش مشکورو حجتش مقبول بوده.

آن وقت‌ها مثل حالا نبوده که در فرودگاه شهر خودتان سوار هواپیما شوید و چند ساعت بعد در فرودگاه عربستان پیاده شوید و بالعکس، بلکه باید راه دور و درازی را می‌پیمودید و از شهرها و کشورهای مختلف عبور می‌کردید. به همین دلیل، کتاب چادر کردیم رفتیم تماشا، حج‌نامه صرف نیست، بلکه سفرنامه عمان و هند و عراق و شهرهای مختلف ایران از قصر شیرین تا قم و تهران و کرمان هم هست.

نکته دیگر، روایت زنانه این سفرنامه است. در روزگاری که بسیاری از مردان سواد خواندن و نوشتن نداشتند؛ همین که يك خانم، می‌توانسته بنویسد خودش محشر است؛ چه برسد به این‌که علاوه بر سواد نوشتن، ذوق ادبی هم داشته باشد و به ژانر سفرنامه‌نویسی و اشعار فارسی هم مسلط باشد و هرازگاهی گریزی بزند به اشعار يك شاعر. به نظر ما که ایشان، روایت‌نویس قهاری هم هست و می‌داند چگونه متنش را از یکدستی و کسالت‌آوری نجات دهد؛ مثلاً کجا لحنش را تغییر بدهد و طنز و طعنه و تعریض به کار ببرد. چه قدر به جزئیات بپردازد که هم زیاده‌گویی نکرده باشد و هم صحنه را کاملاً مجسم کرده باشد یا کجا شعر و ضرب‌المثل به کار ببرد. زاویه دید ظریف و جزئی‌نگر زنانه هم جذابیت این سفرنامه را چند برابر کرده؛ البته بگذریم از جاهایی که مشقت سفر بر ایشان غلبه می‌کند و دهان به فحش و ناسزا می‌گشایند!

البته عالی‌ه خانم شیرازی، علاوه بر نویسندگی، هنرهای زیاد دیگری دارد. از هنرهای زنانه مثل آشپزی، خیاطی، مليله و منجوق‌دوزی تا هنرهایی مثل حسابداری که در زمان قاجار کاملاً مردانه بوده. البته اگر کفایت، کاردانی، تدبیر و تمشیت کارها را هم هنر بدانیم عالی‌ه خانم شیرازی يك هنرمند تمام‌عیار است و امور زنان دربار را با يك انگشت می‌چرخاند.

جالب است که اکثر زنان دربار برعکس عالی‌ه خانم، هیچ هنری ندارند و کاملاً منفعل هستند. البته همین عالی‌ه خانم همه فن حریف هم مدام خودش را با مردان مقایسه می‌کند و می‌گوید کمتر از آنان است. مثلاً اول اول سفرنامه، خودزنی می‌کند؛ و می‌گوید: «مجبور شدم لابد به این خط نحسی نجسی خودم شرح حالی بنویسم که یادگار بماند.» یا در فصل بعد، ضمن توصیف دریای بمبئی می‌گوید: «عقل من که سهل است، خیلی با عقل و شعورها نمی‌توانند تصور يك کار فرنگی‌ها را بکنند.»

با خواندن این سفرنامه، دید جامعی از دوره قاجار به دست می‌آورد و هر اطلاعاتی که از این برهه تاریخی بخواهید را پیدا می‌کنید. از شیوه حکمرانی تا تفریحات و سرگرمی‌های شاه مملکت. از رسم و رسوم عقد و ازدواج تا آداب طلاق و تجدید فراش. از انواع بیماری‌ها تا اقسام دارو و درمان‌ها. از آداب جشن و مولودی تا رسوم روضه و عزاداری. از اطلاعات جغرافیایی و تاریخی تا نوع پوشش و گویش و خورش مردم شهرها و کشورهای مختلف.

کتاب چادر کردیم رفتیم تماشا در هشت فصل، تدوین شده است. فصل نخست «جای همه عزیزان خالی» نام دارد که درباره شروع سفرش از کرمان و گذر از شهرهای مختلف ایران است. سختی سفر با مال؛ کم است؛ بیماری سرکار علیه خانم هم قوز بالا قوز می‌شود و به همین دلیل عالی‌ه خانم شیرازی، هر چند سطر يك بار می‌گوید: «الهی خداوند دین واجب را از گردن همه دوستان ادا بکند ولی به آسانی».

در فصل دوم با عنوان «دنیا تا دنیا آب» مسیر مسقط، مطرح و بمبئی شرح داده می‌شود. نکته جالب در این بخش، توصیف دقیق غذا، آب و هوا و پوشش مردم هر منطقه است. در فصل سوم «قطار قطار همه جمع می‌شوند» بالاخره با سروپایی خونین به مکه می‌رسیم؛ متأسفانه در این فصل، الفاظ نامناسبی در توصیف اهل تسنن به کار رفته که دلایل ناشر برای عدم حذف این عبارات هم قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. در فصل بعد «مالا مال آفتاب گرم» هم اعمال حج را انجام داده و راهی مدینه می‌شویم. مسأله جالب توجه در این بخش، اشاره به اماکنی مثل بیت‌الاحزان یا مرقد حضرت خدیجه (س) و حضرت ابوطالب (ع) است که امروزه یا تخریب شده‌اند یا زوار به آنها دسترسی ندارند.

در فصل پنجم با عنوان «شمر و یزید بسیار است» عازم کربلا و عتبات عالی‌ه عراق می‌شویم. توصیف شیوه‌های عزاداری و برگزاری عیدالزهره در عراق و ملاقات عالی‌ه خانم با میرزای شیرازی از نکات جالب این فصل است. در فصل ششم «هرطور بگیری می‌گذرد» بالاخره عالی‌ه خانم به ایران برمی‌گردد و نسبتاً کیفش كوك است و با صبر و حوصله، مختصات و امکانات شهرهای مختلف را برایشان توضیح می‌دهد. اما مفصل‌ترین بخش این کتاب، فصل هفتم با عنوان «هشتاد زن شاه برك می‌کنند» که اقامت طولانی مدت عالی‌ه خانم در تهران و دربار را به تفصیل توضیح می‌دهد. در این بخش از شیر مرغ تا جان آدمیزاد پیدا می‌شود. از كودك همسری تا تجدید فراش و عروسی و عزاداری و تعزیه تکیه دولت و انواع و اقسام جشن‌ها و آداب و رسوم ریز و درشت. فصل آخر هم با وجود «گرم و مگس و زنگ قاطرها» بالاخره عالی‌ه خانم به شهرش کرمان برمی‌گردد و ما را به خدا می‌سپارد. 📖



«چادر کردیم رفتیم تماشا» سفرنامه عالی‌ه خانم شیرازی یکی از بانوان توانگر دوره قاجار است که در زمان ناصرالدین شاه عازم سفر حج می‌شود و از همان روز اول تا آخر سفرش را ثبت می‌کند